

متن پرسش

استاد گرامی: بنده قبلاً خدمتتان ایمیل زده بودم که گروهی در تلگرام ایجاد کرده‌ام که نزدیک به ۲۰۰ نفر عضو دارد و فایل صوتی ده نکته از معرفت نفس را همراه با متن کتاب ارسال می‌کنم تا استفاده کنند. از طریق داماد حضرتعالی و خودتان کسب تکلیف شد و موافقت فرمودید. بنده طبق فرمایش‌تان که احتمال دارد روی اسم بنده حساسیت باشد که واقعاً هم بود لذا کسی از دوستان که در حوزه‌ی علیمه‌ی قم درس می‌خوانند توانست با استاد فقیهی که از شاگردان سی‌ساله‌ی استاد مصباح است در خصوص جنابعالی و کتب و آثارتان استعلام گرفتیم. ایشان گفتند: «کلیه دروس معرفت نفس جناب استاد اصغر طاهرزاده را مطالعه کرده‌ام، نکته‌ی انحرافی در آن نیست، ولی وقتی «دریا»- منظور استاد مصباح هست- چرا به جای دیگر می‌روید؟». حال بنده‌ی حقیر که ذوالفقاری هستم و شماره‌ام را این‌جا می‌نویسم ۰۹۱۲۵۲۴۵۶۰۴ تا کسی خواست با نصب تلگرام به ما بپیوندد، عرض می‌کنم: بنده با سایر روحانیون هم در این زمینه مشورت کردم آن‌ها هم گفتند: «قلم استاد مصباح برای ما که دروس مقدمات را گذرانده‌ایم سخت است چه برسد به شما که در این زمینه اطلاعات مقدماتی را نگذرانده‌اید». استاد عزیز! در این گروه ما دکتر و مهندس و خانه‌دار داریم با سطح سواد بسیار پایین، ولی همه‌ی سطوح به همه نوع تحصیلات، فرمایش حضرتعالی را متوجه می‌شوند و شور و حرارت دارند، لذا از این بابت خدا را شاکریم. عرض این‌جاست؛ در هفته‌ی گذشته یعنی اول بهمن ماه ۹۳ خبری به دستمان رسید مبنی بر این‌که استاد طاهرزاده چهل نفر آدم را به جلسه‌ی مشایی و احمدی‌نژاد فرستاده است! این خبر باعث شد که خیلی از دوستان گروه را ترک کنند و تهمت بزنند که استاد طاهرزاده با فرقه‌ی انحرافی در ارتباط است. بنده از طریق تماس با یکی از اساتید حوزه و این‌که ایشان بلافاصله با مرکز تخصصی مهدویت قم، استاد نصوری تلفنی صحبت کرد. جناب استاد نصوری فرمودند: «ما کلیه‌ی سخنرانی‌ها را رصد می‌کنیم، استاد طاهرزاده مورد تأیید ما است و با انجمن حجتیه هیچ ارتباطی ندارد.» ضمن این‌که یکی از دوستان بنده هم گفت: کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه «استاد طاهرزاده ایشان را از کلیه‌ی تهمت‌ها مبرا می‌کند. حال استاد عزیز! چون بنده برای دیگران می‌خواهم مدرکی داشته باشم و ارائه بدهم بفرمایید آیا این ملاقات صحیح است یا خیر؟ و تفکرات مشایی را قبول دارید یا خیر؟ فقط بنده را به سایر پرسش‌ها حواله ندهید چون همه را خوانده‌ام. ممنون از وقتی که گذاشتید. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این خبر را بنده از شما می‌شنوم و هیچ اطلاعی در این مورد ندارم، به‌خصوص که در هیچ حالی و هیچ وقتی بنده هیچ نسبتی با آقای مشائی نداشته‌ام و اگر هم از آقای احمدی‌نژاد به عنوان رئیس جمهور وقت دفاع کرده‌ام در راستای رهنمودهای مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» بوده است و به همین جهت وقتی آقای احمدی‌نژاد در آن صحنه فرمودند: «من مشائیم و مشائی من است»، خیلی تعجب کردم و در جواب یکی از سؤالات کاربران عزیز عرض کردم که ما هیچ نسبت خاصی با آقای احمدی‌نژاد نداشته‌ایم که حال بخواهیم آن نسبت را با آقای مشائی داشته باشیم، گویا آقای احمدی‌نژاد فراموش کرده بودند که ما بر اساس نسبت ایشان با نظام اسلامی به عنوان رئیس جمهور آن نظام رابطه داشتیم، پس یعنی چه که بخواهند آن نسبت را ما با آقای مشائی برقرار کنیم؟! اما بردار عزیز! مشکل ما در جای دیگر است. مشکلی که شهید بهشتی عزیز «رحمة‌الله‌علیه» به‌خوبی می‌شناخت. وقتی که در آن جوّ آلوده‌ی بنی‌صدری و نهضت آزادی که می‌خواستند چهره‌ی او را با انواع تهمت‌ها لکه‌دار نمایند و از او در مورد آن تهمت‌ها سؤال کردند، فرمودند: «برای من در موقعیتی که هستم بسیار آسان است که از خود دفاع کنم، ولی وظیفه‌ی من این نیست، وظیفه‌ی شما است که از آن کسی که این نوع تهمت‌ها را می‌زند دلیل و سند بخواهید، وگرنه این قصه تا حشر ادامه می‌یابد». برادر عزیز! ما یک مشکل تاریخی داریم که هنوز از آن عبور نکرده‌ایم و آن نفوذ دشمنان مقدس‌مآبی است که از مذهبی‌ها خود را مذهبی‌تر و دلسوزتر نشان می‌دهد و بر روی حساسیت‌های مقدس ما دست می‌گذارد و از این طریق تهمت‌های خود را وارد می‌کند و آن تفرقه‌ای که برای نیروهای مذهبی چون سم مهلکی است، در بین ما تزریق می‌کند و ما تا از این مشکل عبور نکنیم قصه همین است که با آن روبه‌رو می‌شوید. این که می‌فرمایید دوستانی از شما آن گروه را ترک کردند؛ بگذار ترک کنند، چون این‌ها اگر امروز ترک نکنند فردا که کار شما جدی‌تر شد و دشمنان به اهمیت این کار بیشتر پی بردند، چون به راحتی از طریق نفوذی‌های مقدس‌مآب بازی می‌خورند، آن جمع را ترک خواهند نمود، باید فکری اساسی کرد. بنده در صفحه‌ی ۳۵۱ کتاب «امام خمینی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه» تحت عنوان نه در جزیره‌ای به نام ایران. این‌طور نوشته‌ام: «ما هنوز گمان می‌کنیم با تحقق انقلاب اسلامی امری ساده به قوع پیوسته که می‌توانیم در جزیره‌ای به نام ایران با آن به‌سر ببریم و به همین جهت نیازی نمی‌بینیم تا نسبت خود را با اطرافیان که در یک گروه قرار داریم و با دیگر جریان‌ها بازتعریف کنیم. در این صورت باید بپذیریم ما با خیالات خود در این واقعه‌ی عظیم یعنی انقلاب اسلامی وارد شده‌ایم و هرگز نباید برای خود امید پیروزی داشته باشیم. زیرا نه خود را مجهز به سعه‌ی صدری کرده‌ایم که در آینده سخت به آن نیازمندیم و نه تلاش می‌کنیم جامعه را از دو قطبی بودن بین جناح‌هایی که به اهداف انقلاب معتقدند، خارج کنیم، همچنان اسیر جناح‌بندی‌های گذشته هستیم. زیرا معنای حضور در آینده‌ای را که در میان سایر ملت‌ها برای ما رقم خورده است متوجه نمی‌باشیم». مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» در نامه‌ای که به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نوشته‌اند از دروغ‌های تاریخی آن دیار خبر داده‌اند که پس از سال‌ها

و دیرهنگام روشن شد و ملت اروپا سرافکنده گشت. بنده فکر می‌کنم این مسئله از جهاتی برای ما نیز پیش خواهد آمد که پس از سال‌ها متوجه خواهیم شد نفوذی‌های مقدس‌مآب چه ضربه‌هایی بر پیکر وحدتِ جامعه‌ی ما زده‌اند. موفق باشید بتوانید در این مورد فکر کنید. موفق باشید